

هفته نامه

ویژه نامه

سال چهارم • شماره ۱۲۷ • شنبه ۱۱ دلو ۱۳۹۹ • ۳۰ جنوری ۲۰۲۱

صلح نا تمام فصل

چه کسی طناب دار را می بافد؟

یافته های گزارش تحقیقی نیمرخ

زنان، بزرگترین قربانیان توافقنامه صلح با طالبان

روز شمار صلح

خاطرات یک دختر جوان

کاهش تلفات زنان در سال ۲۰۲۰

من امشب غمگین ترین زن جهانم

رابطه های خونی و زنانی که خون گریستند
ماجرای زوج های با گروپ های خون همسان و آینده تاریک اطفال معیوب

چرا هنوز به رهبران زن بی اعتماد هستیم؟

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان کاهش تلفات زنان در سال ۲۰۲۰



چه کسی طناب‌دار رامی‌بافد؟

این روزها بیش از همیشه این جمله را می‌شنویم که زنانی قربانی جنگ با طالبان شدند و قربانی صلح با طالبان نیز می‌شوند به زبان نزدیک به فرهنگ محاوره ای جامعه افغانستان، زنان هر دم شهید جنگ و صلح با طالبان هستند.

چرا جنگ و صلح با طالبان هر دو به ضرر زنان تمام می‌شود؟ تجربه جنگ‌های دهه‌های اخیر در افغانستان نشان می‌دهد که زنان در مناطق تحت نفوذ طالبان از حقوق اولیه آموزشی و بهداشتی محروم می‌شوند و به جرم رفتن به سر کار ترور می‌شوند. در جنگ با طالبان مادران و همسران بیشترین ضرر را متحمل می‌شوند.

ناگفته پیداست که در جنگ‌ها مادران، فرزندان نشان را از دست می‌دهند و زنان، همسرانشان را در چنین شرایطی، زندگی در جامعه مردسالاری که برای زنان کمترین حق و حقوق را قائل نیستند، آنهم در فقدان مردهای خانواده، دشواری‌های طاقت‌فرسایی را بر زنان تحمیل می‌کند، اما صلحی که بزرگترین قربانی آن حقوق و آزادی‌های زنان باشد، آیا می‌توان نام چنین توافقی را «صلح» نامید؟ مگر صلح به مفهوم آرامش و امنیت نیست؟ آیا برای زنانی که سالیان سال با چنگ و دندان برای حداقل حقوق و آزادی‌هایشان علی‌رغم مخالفت‌های ساختاری، محافظت کردند.

توافقی به قیمت محروم کردن همین حداقل حقوق و آزادی‌ها می‌تواند برای زنان، صلحی به معنای آرامش و امنیت بی‌آورد. چنین توافقی به چوبه‌دار آمل و خواسته‌های بر حق زنانی می‌ماند که برای داشتن حداقل آزادی‌هایشان مبارزه کردند.

بررسی‌ها نشان داده که زنان طبقه تحصیلکرده جامعه افغانستان بیش از همیشه به طالبان و جامعه جهانی بی‌اعتماد شده‌اند. سرچشمه این بی‌اعتمادی به رفتار دوگانه جامعه جهانی برمی‌گردد. جامعه جهانی به رهبری آمریکا که روزگاری با سرازیر کردن کمک‌های هنگفت اقتصادی از جمهوری بعد از امارت طالبانی در افغانستان حمایت کرد و مهمترین کمک‌هایش را برای حمایت از حقوق و آزادی‌های زنان در افغانستان اختصاص داد، خیلی زود زنان را در این مسیر رها کرد و با تاسی از آمریکا از طالبان حمایت کرد.

کشورهای درگیر در صلح افغانستان و گروه‌های سیاسی که می‌خواهند بعد از توافق صلح با طالبان، در حکومت آینده شریک شوند، باید بپذیرند که حقوق و آزادی‌های زنان، فصل ناتمام صلح در افغانستان است. صلحی که در آن بوسیله قرائت‌های طالبانی از دین، حقوق زنان قربانی شود، ناتمام خواهد ماند. زنانی که در دو دهه اخیر در دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل شدند و در ادارات دولتی و خصوصی کار کردند، در مقابل پامال شدن حقوق اولیه‌شان سکوت نخواهند کرد.

از دو برابر افزایش آمده است. ۲۱۰۷ تن از افراد ملکی که شامل ۸۵۷ کشته و ۱۲۵۰ زخمی می‌شود، مسؤلیت قربانی شدن شان را هیچ فرد و گروهی به عهده نگرفته و کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز نتوانسته عاملان این رویدادها را شناسایی کند.

براساس یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، از مجموع تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۵۳ درصد توسط گروه طالبان، ۱۵ درصد توسط نیروهای حکومتی و حامیان بین‌المللی دولت افغانستان و ۵ درصد توسط گروه داعش صورت گرفته است. عامل ۲۵ درصد تلفات افراد ملکی نامعلوم است و ۲ درصد تلفات، در اثر راکت‌پراکنی نیروهای پاکستانی در ولایت‌های کنر، خوست، پکتیکا و کندهار صورت گرفته است.

ترور و قتل‌های هدفمند

در گزارش سالانه کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده است که ۲۲۵۰ تن از کارکنان ملکی دولت، خبرنگاران، اعضای جامعه مدنی، علمای دینی، شخصیت‌های منتقد و سرشناس، اعضای شورای ملی و مدافعان حقوق بشر، قربانی ترور و قتل‌های هدفمند شده‌اند. از این جمله ۱۰۷۸ تن کشته و ۱۱۷۲ تن زخمی شده‌اند که این رقم ۲۶ درصد کل تلفات ملکی در کشور طی سال ۲۰۲۰ را تشکیل می‌دهد. در جمع قربانیان ترور و قتل‌های هدفمند ۶۵ زن کشته و ۹۵ زن زخمی شده، هم‌چنان و ۷۴ کودک کشته و ۲۹۰ کودک دیگر زخمی شده‌اند.

حمله بر خبرنگاران

کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۸۱ مورد خشونت علیه خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها ثبت شده که از این جمله ۱۱ خبرنگار کشته و ۱۷ تن دیگر زخمی شده‌اند.

بی‌جاشدگان داخلی

جنگ و درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای دولتی و مخالفان مسلح نظام و نیز تهدید افراد مسلح غیرمسئول و زورگو در تعداد زیادی از ولایت‌های کشور، سبب بی‌جاشدگی ۷۴۰۸۷ خانواده شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر پیشنهاد می‌کند که برای کاهش تلفات ملکی و جلوگیری از بی‌جا شدن خانواده‌ها باید تمامی جوانب دخیل در پروسه صلح، گفت‌وگوهای صلح در قطر را سرعت بخشند و هرچه زودتر آتش‌بس همه‌جانبه و سراسری را برقرار کرده از تشدید خشونت‌ها به‌حیث ابزار امتیاز در مذاکره استفاده نکنند.

این کمیسیون هم‌چنان تأکید کرده است که تمامی طرف‌های منازعه از جنگ در محلاتی که به افراد ملکی آسیب وارد می‌کند، خودداری کنند و طالبان نباید از افراد ملکی به‌حیث سپر دفاعی استفاده کنند.

این در حالی‌ست که تلفات ملکی در افغانستان یکی از قیمت‌ترین بهای جنگ است که مردم می‌پردازند. آمارهای ۱۲ سال اخیر نشان می‌دهد که از آغاز سال ۲۰۰۹ تا ختم ۲۰۲۰ میلادی، ۹۳۴۹۲ فرد ملکی به‌شمول زنان و کودکان کشته و زخمی شده‌اند، که از این میان، ۳۱۴۲۵ تن کشته و ۶۲۰۶۷ تن زخمی شده‌اند.

نیروهای دولتی، نیروهای ناتو مستقر در افغانستان و گروه‌های نامعلوم عاملان تلفات افراد ملکی هستند. که چهار جناح نخست تلفات افراد ملکی را کاهش داده ولی تلفات ناشی از حملات گروه‌های نامعلوم ۱۱۷ درصد افزایش یافته است.

گروه طالبان: یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۰ تلفات ملکی ناشی از حملات گروه طالبان حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است ولی بازهم بزرگ‌ترین عامل تلفات افراد ملکی به شمار می‌رود. علت این کاهش، عدم حملات انتحاری در شهرهای بزرگ دانسته شده است.

براساس این گزارش، گروه طالبان عامل کشته و زخمی شدن ۴۵۶۷ فرد ملکی ۱۵۲۳ کشته و ۳۰۴۴ زخمی شده‌اند؛ در سال ۲۰۱۹ این رقم به ۷۷۲۷ تن می‌رسید.

گروه داعش: کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید در تلفات افراد ملکی ناشی از حملات گروه داعش نیز ۲۱ درصد کاهش آمده است. مجموع قربانیان حملات این گروه به ۴۰۳ فرد ملکی، ۱۶۰ کشته و ۲۴۲ زخمی می‌رسد؛ در سال ۲۰۱۹ به ۵۱۵ تن کشته و زخمی می‌رسید.

نیروهای سرحدی پاکستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر مستندسازی کرده است که در اثر پرتاب راکت از سوی نیروهای سرحدی پاکستان در مناطق مرزی خط دیورند مانند ولایت‌های خوست، کنر و پکتیا ۱۷۴ فرد ملکی کشته و زخمی شده‌اند که شامل ۳۱ کشته و ۱۴۳ زخمی می‌شود.

حکومت و حامیان بین‌المللی دولت افغانستان: در تلفات افراد ملکی ناشی از حملات نیروهای حکومتی و حامیان بین‌المللی دولت افغانستان، ۱۶ درصد کاهش رونما شده است.

در سال ۲۰۲۰ میلادی ۱۲۴۹ فرد ملکی توسط نیروهای دولتی و نیروهای خارجی مستقر در افغانستان کشته و زخمی شده‌اند که شامل ۲۸۶ کشته و ۸۶۳ زخمی می‌شود؛ در حالی که در سال ۲۰۱۹ این رقم به ۱۴۹۰ تن می‌رسید.

عاملان نامعلوم: کمیسیون مستقل حقوق بشر ابراز تأسف و نگرانی کرده که در تلفات افراد ملکی ناشی از حملات گروه‌ها و افراد نامعلوم ۱۱۷ درصد یعنی بیش

کمیسیون مستقل حقوق بشر با نشر گزارش سالانه خود گفته است در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۸۵۰۰ فرد ملکی کشته و زخمی شده که از این میان ۲۹۵۸ تن جان باخته و ۵۵۴۲ تن دیگر زخمی شده‌اند.

براساس گزارشی که کمیسیون مستقل حقوق بشر روز چهارشنبه، هفتم دلو ۱۳۹۹ خورشیدی منتشر کرد، رقم تلفات ملکی در سال ۲۰۲۰ نسبت با سال ۲۰۱۹ میلادی ۲۱ درصد کاهش یافته است.

شمار تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۹ میلادی، در مجموع به ۱۰۷۷۲ تن می‌رسید؛ که شامل ۲۸۱۷ تن کشته و ۷۹۵۵ تن زخمی بود.

طبق آمار ثبت‌شده در کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ میلادی، در جمع ۸۵۰۰ تن قربانی، ۵۵۳۹ مرد، ۸۴۷ زن و ۲۰۱۹ طفل شامل است. ولی جنسیت ۹۵ تن از کشته و زخمی‌ها تشخیص و تثبیت نشده است.

براساس این آمار در هر شبانه‌روز حد اوسط ۸ فرد ملکی کشته و ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.

رقم تلفات ملکی زنان

کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید تلفات ملکی زنان در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۹ میلادی، ۱۳ درصد کاهش یافته است.

در سال ۲۰۲۰ میلادی، مجموع تلفات ملکی زنان، به ۸۴۷ تن می‌رسد که شامل ۳۳۰ کشته و ۵۱۷ زخمی می‌شود. در سال ۲۰۱۹ میلادی، مجموع تلفات ملکی زنان به ۹۷۴ تن می‌رسید که شامل ۲۸۲ کشته و ۶۹۲ تن زخمی بود.

رقم تلفات کودکان

کمیسیون مستقل حقوق بشر گفته است که در جریان سال ۲۰۲۰ میلادی در سراسر کشور ۲۰۱۹ کودک کشته و زخمی شده‌اند.

اگرچند این رقم نسبت به سال ۲۰۱۹ میلادی، ۲۵ درصد کاهش یافته است ولی بازهم ۵۶۵ کشته و ۱۴۵۴ زخمی را در بر می‌گیرد؛ در حالی که در سال ۲۰۱۹ میلادی، مجموع تلفات کودکان به ۲۶۹۶ تن می‌رسید که شامل ۴۴۵ کشته و ۲۲۵۱ زخمی بود.

عاملان تلفات افراد ملکی

گروه طالبان، داعش، نیروهای سرحدی پاکستان،

واکنش‌ها به مرگ لیلا هرات در شبکه‌های اجتماعی

بلکه دوباره به جهنمی که او را به سوی نابودی کشانده بود، برگشت خورد و از خانم زهرا سوالی دارم. چرا لیلا را به شفاخانه بستر نکردند آیا شفاخانه حوزوی هم از بستر شدن لیلا انکار کردند؟»

ژیلا حبیبی، شهروند: «اول که سپاس گزار خانم کرامت هستم که زنی بوده از جنس انسانیت که تمام این مراحل را با صبر تمام پیش برده و دوم متأسفانه چیزی به نام حقوق زن وجود ندارد. من سه سال تمام از زندگی خود را روی ثمر بخشیدن به یکی از پروژه‌های توانمندسازی زنان زحمت کشیدم اما حالا بعد سه سال به این نتیجه رسیدم که هیچ کس نمی‌خواهد وضعیت زنان تغییر کند.»

بر اثر سرخوردگی فوت می‌کند. بی‌پروایی مسئولین ارگان‌های حامی زنان در رابطه با مرگ لیلا، موجی از اعتراضات را به دنبال داشت. این اعتراضات مسئولین نهادهای نام برده را وادار به واکنش کرد. عاجل جلسه تشکیل دادند و نتیجه گرفتند که همه به وظایف خود درست عمل کردند و فیصله کردند که خانم کرامت، شخصی که برای لیلا دادخواهی می‌کرد، عامل مرگ او بوده است. همینقدر وقیح، همین قدر گستاخ، همین قدر ابلهانه.»

سلین بهار، شهروند: «چقدر قصه دردناک بود. چقدر متاثر شدم از اینکه با وجود تمام امکانات و موسسات موجود در هرات یک خانم و یک مادر دردمند بی‌پناه مانده. نه تنها تداوی نشد

خانم کرامت بدون در نظر گرفتن مشورت‌های کمیته جندر، لیلا را به صلیب سرخ انتقال داده است و تلویحا اقدامات زهرا کرامت را خودسرانه دانسته است.

بهرروز آرین، خبرنگار در هرات: «لیلا نامی بر اثر لت و کوب شوهرش قطع نخاع می‌شود. بانویی به نام زهرا کرامت بنا بر حس خیرخواهی اقدام به دادخواهی برای یافتن مکانی جهت پرستاری از وی می‌کند.

ریاست امور زنان، کمیته جندر مقام ولایت، دفتر ندای زن، شفاخانه حوزوی و چند ارگان دیگر هر کدام بنا به دلایلی همکاری نکردند. لیلا را دوباره پیش همان شوهری که عامل فلج شدنش بود، روان کردند. لیلا بعد از چند روز

از چند روز به این سو، ماجرای مرگ لیلا، واکنش‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته است. هفته‌نامه نیمرخ گوشه‌ای از این واکنش‌ها را دنبال کرده است.

پاسخ مسئولین نهادهای دولتی مدافع حقوق زنان در هرات: «در اطلاعات نشر شده در شبکه‌های اجتماعی بیان شده است که گویا مسئولان محلی و نهادهای حامی زن برای رسیدگی به قضیه لیلا، کوتاهی و سهل‌انگاری کرده‌اند. اما بررسی‌های انجام شده نشان داد که هر یک از این نهادها وظایفشان را به درستی انجام داده‌اند.» مونسه حسن زاده از مسئولین در ولایت هرات در صفحه فیسبوکی‌اش، زهرا کرامت را کارمند سابق دفتر واسا خوانده و گفته است که

خبرنامه آمده است که رئیس شورای عالی مصالحه ملی تشریف‌آوری وزیر دفاع ایتالیا و هیات همراه ایشان را به افغانستان خیر مقدم گفت و از کمک‌های این کشور برای افغانستان و حمایت از تلاش‌های صلح تشکر و قدردانی کرد. ۵ دلو

سخنگوی وزارت خارجه کشورمان ضمن ارائه توضیحاتی در مورد سفر هیات سیاسی طالبان به ایران و اهمیت تحقق صلح در افغانستان برای کشورمان گفت: ما برای صلح افغانستان سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌ایم. ۸ دلو

رئیس جمهور افغانستان در دیدار با شورای علمای شیعه گفت که نیروهای امنیتی افغان جنگ را نباخته‌اند و دولت خواستار صلح تضرع با طالبان نیست. ۵ دلو

کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد که مشاور امنیت ملی «جو بایدن» رییس جمهوری آمریکا به همتای افغانستانی خود اطلاع داده که آمریکا توافق منعقد شده دولت ترامپ با طالبان را بازنگری خواهد کرد. ۷ دلو

گروه طالبان می‌گوید: دولت کابل در فرصتی که برای نشست صلح و جریان مذاکرات بین‌افغانی بوجود آمده تبلیغاتش را گسترده کرده است و برای بی‌نتیجه ماندن این مذاکرات تلاش می‌کند. ۷ دلو

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان به رویترز گفته است که این گروه روند واکنش‌ناپذیری را که از طریق مراکز صحنی در سراسر افغانستان انجام می‌شود، حمایت و تسهیل می‌کند. ۸ دلو

هیات سیاسی طالبان به سرپرستی ملا عبدالغنی برادر معاون دفتر سیاسی این گروه با دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران دیدار و گفتگو کرد. ۸ دلو

برای کنترل روند مذاکرات صلح افغانستان، اشرف غنی با جاستین ترودو درباره هماهنگی مواضع در اجلاس بعدی ناتو گفتگوی تلفنی داشتند.

ترودو با ابراز نگرانی از افزایش خشونت‌ها در افغانستان گفت که از نظامی حمایت می‌کند که منجر به مردم سالاری شود. ۵ دلو

وزیر داخله افغانستان می‌گوید که طالبان در حال وقت کشی در روند صلح افغانستان هستند. آنها منتظر هستند تا تمام نیروهای امریکایی از افغانستان خارج شوند و با افزایش ترورهای هدفمند و خشونت‌ها می‌خواهند زندان بیشتری رها شوند و افکار طالبانیشان را در حکومت تحمیل کنند. ۴ دلو

رئیس مجلس نمایندگان خواستار تلاش بیشتر زلمی خلیل‌زاد برای برقراری صلح و پایان جنگ در کشور شد. میررحمان رحمانی، رئیس مجلس نمایندگان با اشاره به تمديد ماموریت نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان، از وی خواست با فشار به طالبان این گروه را وادار به ادامه روند مذاکرات صلح و آتش بس در کشور کند. ۵ دلو

در گفتگوی امروز نماینده ویژه وزیر امور خارجه ایران در امور افغانستان با رئیس شورای مصالحه ملی افغانستان، طرفین بر استمرار گفتگوهای میان افغانستانی تأکید کردند. ۵ دلو

رئیس شورای عالی مصالحه ای ملی افغانستان امروز با وزیر دفاع ایتالیا و هیات همراه شان دیدار کرد. در ادامه این

انسان عدد دار صلح منفری



طارق سعیدی

میشل فوکو در کتاب «مراقبت و تنبیه تولد زندان»، استفاده از جدول و ردیف براساس سیاست توزیعی یکی از اختراعات گفتمان قدرت برای به انقیاد کشاندن تن مولد انسان می‌داند. تنی که مولد شده از طریق جدول و ردیف تبدیل به ابژه‌ی قدرت می‌شود. سازوکار قدرت در ساختارهای مختلف مدرسه، دانشگاه، میدان جنگ و ... تن را منفرد ساخته و دوباره با عددواره ساختن آن در جدول و ردیف، تبدیل به کلیتی غیرقابل کثرت می‌کند. آنچه بین این تن‌ها ارزش ایجاد می‌کند، نه ماهیت تن-روان بل تفاوت عدد با دیگر عدد در درون نظام اعداد می‌باشد.

گفتمان قدرت با قرار دادن تن در جدول و ردیف از تن‌های منفرد، ماشین جنگی ساخته که جغرافیای جنگ تن-روان انسان است. انسان در ماشین جنگی تبدیل به پیچ و مهره‌ی از ماشین جنگی می‌شود که تحت فرمان گفتمان قدرت عمل می‌کند. تن-روان انسان در ماشین جنگی به دو بخش تن و روان تقسیم شده به دلیل کارایی تن در ماشین جنگی، تن ابژه‌ی شده که سوژه‌ی شناخت آن نه روان، بلکه گفتمان قدرت است.

اما سازوکار دیگر گفتمان قدرت که زاده‌ی همان جدول و ردیف است، انتزاع کردن انسان نوعی و تبدیل آن به آمار و ارقام است. به طور نمونه در گفتمان قدرت در دانشگاه‌ها تن را در جدول (حاضری) تنظیم کرده و در زمان امتحان آن‌ها را در ردیف‌های مشخص قرار می‌دهند و از طریق امتحان که یکی از سازوکارهای گفتمان قدرت است، تن را در جدول‌های نتایج جای داده و دانشجویان از طریق این اعداد و ارقام و جدول‌هاست که تفاوت تن خود را با تن دیگری انتزاع و درک می‌کنند. در این سازوکار نیز به دلیل آن که روان را نیز تبدیل به یک شی‌ی ساخته که در آن معلومات را ذخیره می‌کنند، یا به براساس نظریه پاتولو فریره مانند حساب بانکی است (فریره، پیداگوزی ستم‌دیدگان) که در آن اطلاعات و معلومات را ذخیره می‌کنند، روان فردی و جمعی حضور ندارد، آنچه است، تن است. تنی که در ردیف و جدول تبدیل به عدد شده است و انسان عددواره براساس گفتمان قدرت خلق گردیده است.

انسانی که تبدیل به عددواره می‌شود، خود نیز نگاهی عددواره به پدیده‌ها دارد. زمانی برانگیخته می‌شود که در مقابل عدد کلان قرار گیرد (1 > 1). به همین دلیل همیشه برای او 1 = 1 است. حال این که عدد به چه چیزی ارجاع می‌دهد، مهم نیست. آنچه به عدد نزد او ارزش می‌دهد، ارجاع عدد به بیرون از نظام اعداد نیست، بل رابطه‌ی بی‌ست که عدد با عدد دیگر در درون این نظام دارد.

انسان عددواره از طریق تعریف جنگ (war) و منازعه (Conflict) می‌توان به ثبوت رساند. براساس تئوری‌های روابط بین‌الملل یکی از تعاریف جنگ این است که اگر در یک سال (۳۵۰۰۰۰) تن کشته شوند با جنگ روبه‌رو هستیم و اگر از این تعداد کمتر کشته شوند با منازعه.

این نوع نگاه به انسان را در طول دو دهه‌ی گذشته، سازمان‌های بین‌المللی مانند یونیسف و رسانه‌ها تقویت کرده‌اند. برای سازمان‌های بین‌المللی مهم انسان نوعی نیست، بل ملاک سنجش‌شان در کاهش و افزایش منازعه بین طرفین درگیر، فقط و فقط عدد است. به طور نمونه در گزارش‌های تلفات افراد ملکی که توسط یونیسف در هر سه ماه سال تهیه می‌شود، آن چه ملاک سنجش است، افزایش و کاهش عدد است: «هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یونیسف) ۵۹۳۹ مورد تلفات ملکی شامل ۲۱۱۷ کشته و ۳۸۲۲ مجروح را از ۱ جنوری الی ۳۰ ستمبر ۲۰۲۰ ثبت کرده است. هرچند این آمار ۳۰ درصد کاهش در تلفات ملکی را نسبت به عین زمان در سال ۲۰۱۹ و سال ۲۰۱۲ بدین سو پایین‌ترین میزان تلفات ملکی در ۹ ماه نخست سال را نشان می‌دهد، اما منازعات مسلحانه در افغانستان کماکان یکی از مرگ‌بارترین درگیری‌ها برای مردم ملکی باقی مانده است...». (گزارش ربع سوم: ۱ جنوری ۳۰ سپتمبر ۲۰۲۰)

روی کرد چنین گزارش‌هایی نسبت به هستی وجودی انسان سلبی است و انسان نوعی را تبدیل به ارقام و عدد ساخته است و چون تعداد این رقم با تعریف جنگ (War) سازگار نیست، از واژه‌ی منازعه (Conflict) استفاده می‌شود.

همچنین برای رسانه‌ها مهم نیست که یک انسان نوعی یا چند انسان نوعی کشته می‌شوند، آنچه برای کارگزاران رسانه‌ها و پالیسی آن‌ها ارزش خبری دارد، عدد است. عددی که از مجموعه‌ی تن‌های زنده کم شده و به مجموعه‌ی تن‌های مرده یا مجموعه‌ی تن‌های قربانی، افزوده شده است و براساس این دو مجموعه است که رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و بالطبع آن نهادهای حقوق بشری و مدنی واکنش نشان می‌دهند.

انسان عددواره قربانی ساختار قدرت است که از یک طرف ابژه‌ی این ساختار است، و از طرف دیگر به عنوان سوژه، دیگران را تبدیل به اعداد و ارقام می‌سازد. مصداق چنین انسان‌هایی فعالین جامعه‌ی مدنی، کارگزاران رسانه‌ها و ... هستند.

گفتمان قدرت با این سازوکار انسان نوعی که نام، هویت، خانواده، امید، آرزو و ... دارد، از ویژگی‌های کیفی انسانی‌اش تهی کرده و او را تبدیل به آمار و ارقام می‌سازد.

به این دلیل صلح منفری در میز مذاکره سربرون می‌آورد. چون انسان نوعی که قربانی منافع سه گروه متخاصم -تکنوکرات‌های وابسته به غرب، مجاهدین دیروز، سرمایه‌داران امروز و طالبان که رهبران‌شان اقلیت جامعه را تشکیل می‌دهند- شده تبدیل به آمار و ارقام می‌گردد. از طرف دیگر گفتمان قدرت، از دیدگاه رولان بارت صلح را استوره ساخته و صلح که امری تاریخی است تبدیل به امر طبیعی می‌گردد.

انسان عددواره در تضاد با صلح منفری نیست، بل مکمل آن است، تا این صلحی که بر پایه‌ی بده‌بستان‌های کلان سیاسی و اقتصاد بین این سه گروه است را مشروعیت ببخشد.

اما انسان نوعی که در این جنگ تن-روان‌اش آسیب دیده است، در تضاد با این صلح قرار می‌گیرد. این انسان نوعی، انسان دیجیتالی فضای مجازی نیست که تمام واکنش‌های آن حباب‌گونه باشد و در چند دقیقه ساعت بترکد. این انسان در کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های روستاها و شهرها زندگی می‌کند. این انسان با هاوان خانه‌اش خراب شده و اعضای خانواده‌ی خود را از دست داده است. این انسان قربانی صلح منفری است. به نوعی صلح منفری تمام دردها و رنج‌های او را نه تنها نفی می‌کند، بل نادیده می‌گیرد و او را تبدیل به ابژه‌ی منفری می‌سازد.



زندگی متنوعه

خاطرات یک دختر جوان

قسمت اول

«خاطرات آن فران» نوشته‌های یک دختر نوجوان یهودی است که در تابستان ۱۹۴۲ در زمان جنگ جهانی دوم در وحشت از نازی‌ها (طرفداران هیتلر) مجبور شد همراه با اعضای خانواده اش در شهر امستردام به زندگی مخفی روی آورد. به مدت بیش از دو سال، آن و پدر و مادر و خواهرش با چهار یهودی دیگر در این مخفیگاه به سر می‌بردند. در طول این مدت آن خاطراتش را در دفترچه‌ای ثبت می‌کرد.

سرانجام نازی‌ها آنها را دستگیر و روانه اردوگاه‌های مرگ می‌کردند. از این هشت نفر تنها پدر آن فرانک جان سالم به در برد و در پایان جنگ، خاطرات دخترش را منتشر کرد. این کتاب تاکنون به ۵۵ زبان ترجمه شده است. هفته‌نامه نیمرخ در هر شماره یک بخش از خاطرات آن فرانک را برای خوانندگان منتشر می‌کند.

«از آنجا که ما یهودی بودیم، پدرم در سال ۱۹۳۳ به هلند رفت و در آنجا مدیریت شرکت هلندی مریباسازی اوپکتا را برعهده گرفت. مادرم یعنی ادیت هولندر فرانک در ماه سپتامبر به او ملحق شد. من و مارگو خواهرم به خانه مادر بزرگمان واقع در آخن رفتیم. مارگو در ماه دسامبر به هلند رفت و من در ماه فوریه به آنجا رفتم. همان طور که می‌توان تصور کرد، زندگی ما دستخوش تنش‌های زیادی شد و قوانین ضد یهودی هیتلر گریبانگیر بستگان ما که در آلمان مانده بودند، شد. در سال ۱۹۳۸ پس از حملات گسترده به یهودیان آلمان، دو دایمی/مامایم فرار کردند و به سلامت به امریکای شمالی رسیدند. از ماه می ۱۹۴۰ دوران خوشی دیگر به سر رسید. ابتدا جنگ در گرفت.

سپس همه تسلیم شدند و نیروهای آلمانی همه جا را اشغال کردند و از این رو دوران رنج و محنت ما یهودیان آغاز شد. قوانین ضد یهودی پشت سر هم تصویب می‌شد و به اجرا در می‌آمد و آزادی ما را محدودتر می‌کرد.

یهودیان باید ستاره زرد به لباسشان می‌دوختند، دوچرخه‌های خود را تحویل می‌دادند، اجازه سوار شدن در تراموا و اتوبوس/ملی بس را نداشتند و حتی با ماشین شخصی

ما اینچنین زندگی می‌کردیم و انجام هر کاری برایمان ممنوع شده بود. ژاک دوستم همیشه به من می‌گفت: «من دیگر جرات انجام هیچ کاری را ندارم، می‌ترسم ممنوع باشد.»

خودشان هم نمی‌توانستند تردد کنند. یهودیان تنها اجازه داشتند بین ساعت سه تا پنج بعدازظهر خرید کنند، فقط نزد آرایشگر یهودی بروند و اجازه نداشتند از ساعت هشت شب تا شش صبح از خانه خارج شوند.

ورود یهودیان به استخر، تنیس، هاکی و یا ورزش‌های دیگر ممنوع بود، یهودیان نمی‌توانستند قایق سواری و یا در بیرون از خانه ورزش کنند. بعد از ساعت هشت شب یهودیان حق نداشتند، در حیاط خانه خود و یا دوستانشان بنشینند.

آنها اجازه نداشتند به خانه مسیحیان بروند، کودکان یهودی فقط باید به مدارس یهودی می‌رفتند و الی آخر. ما اینچنین زندگی می‌کردیم و انجام هر کاری برایمان ممنوع شده بود. ژاک دوستم همیشه به من می‌گفت: «من دیگر جرات انجام هیچ کاری را ندارم، می‌ترسم ممنوع باشد.»

بافرا ابراهیمی
<div>گزارشگر</div>

نتایج یافته های گزارش تحقیقی هفته نامه نیمرخ نشان می دهد که توافقنامه صلح قریب الوقوع با طالبان به قیمت قربانی کردن حقوق و آزادی های زنان امضا خواهد شد، به عبارت دیگر دستاوردهای مربوط به حقوق و آزادی های زنان، برزنترین قربانی توافقنامه صلح با طالبان خواهد بود. این تحقیق از طریق مصاحبه با شش عضو مذاکره کننده با طالبان در قطر، تحلیل مطالب بیش از ده منبع خبری، بررسی تحقیقات مرتبط و مصاحبه با تعدادی از زنان مشغول به کار در رسانه ها و سایر مشاغل اداری در شهر کابل صورت گرفته است. این تحقیق از از ابتدای ماه جدی سالجاری تا ابتدای ماه دلو انجام شده است.

زنان پاسخ دهنده به سوال های نیمرخ می گویند که در نحوه تفکر طالبان هیچ تغییری بوجود نیامده است و با تحلیل صحبت هایی که دیگر سران طالبان با منابع خبری و آزادی های دو دهه اخیر را نخواهند داشت. مصاحبه نیمرخ با یکی از طالبان شرکت کننده در نشست دوحه و تحلیل صحبت هایی که دیگر سران طالبان با منابع خبری افغانستان انجام داده اند، نشان می دهد که طالبان نیز بر روی موضع گذشته شان (دوره امارت) درباره زنان با اندکی تغییر تأکید دارند.

یافته های دیگر نیمرخ از قرار زیر است:

●دیگاه مردسالارانه در میان نمایندگان دولت افغانستان نیز چالش دیگری است که سبب گردیده بحث‌های کمتری در مورد حقوق زنان در این نشست‌ها صورت گیرد و مصالح سیاسی باعث شده است که حقوق و آزادی های زنان در اجندای گفتگو با طالبان قرار نگیرد.

●حضور زنان در نشست‌های صلح نه تنها سبب لابی‌گری بیشتر در مورد حقوق زنان گردیده، بلکه در حفظ اتحاد و انجام هیت گفت‌وگو کننده افغانستان را نیز نقش زیادی داشته است؛ نمونه‌ای آن را می توان در نشست ۱۶ و ۱۷ سرطان سال ۱۳۹۸ در دوحه مشاهده نمود.

●دیگاه مردانه درباره سیاست در افغانستان از دلایل حضور کمربگ زنان در نشست‌های صلح محسوب می‌شود که این

دیدگاه بیشتر در میان احزاب سیاسی به چشم میخورد. ●بررسی ما این نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۴ میلادی ۱۳۰ توافقنامه صلح در جهان به امضا رسیده است که از این میان در ۱۳ مورد آن زنان به عنوان امضا کننده آن نقش داشته است، در توافقنامه هایی که زنان در آن نقش اساسی داشته است و یک طرف امضا

کننده توافقنامه عمل بوده آن توافقنامه از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار بوده است.

●بسیاری از زنان شاغل طبقه تحصیلکرده جامعه افغانستان بخصوص زنان خبرنگار، موافق صلح حکومت افغانستان با طالبان نیستند و پذیرش صلح با طالبان را به معنی بازگشت به گذشته (امارت) می دانند و ترجیح می دهند که کشور را ترک کنند.

●**طالبان تغییری نکرده اند**
صلح نامه نیمرخ نشست‌ها و مذاکرات هتف افغانستان با گروه طالبان را از نخستین دیدار رسمی دولت تا آخرین نشست که این روزها در شهر دوحه جریان دارد را به بررسی گرفته تا دریابد که نقش زنان در گفتگوهای که پشت دروازه های بسته برگزار گردیده چگونه بوده است و به چه میزان اعضای گفتگوکننده افغانستان زنانی که عضو هیات بودند فرصت صحبت داشتند.

در تاریخ ۱۸ عقرب سال ۱۳۹۷ برای نخستین بار، هیات دولت افغانستان به گونه‌ای رسمی و مستقیم با هیات گروه طالبان گفتگو کردند، هر چند این، یک نشست منطقه‌ای بود که به میزبانی روسیه و با حضور نمایندگان کشورهای

روسیه، چین، هند، پاکستان و ایران برگزار شد و حکومت طالبان گفتگو گفته بود که شورای عالی صلح به عنوان یک نهاد مستقل در آن شرکت کرده است، اما از این نظر که دو طرفی مستقیما باهم دور یک میز نشسته بودند، قابل اهمیت تلقی می‌شود.

حبیبیه سرایی تنها زنی بود که برای نخستین بار در کنار اعضای هیات دولت افغانستان در این نشست بار یافته بود. او معاون شورای عالی صلح بود. از آنجایی که این نشست

ویژه نامه فصل ناتمام صلح

● سال چهارم ● شماره ۱۲۷ ● شنبه ۱۱ دلو ۱۳۹۹ ● ۳۰ جنوری ۲۰۲۱

مقدمه‌ای بر دیگر نشست های صلح به شمار می رفت،

گفتگوی مستقیم و رسمی میان اعضای هیات دولت و گروه طالبان صورت نگرفت و دو طرف اعلامیه‌هایشان را در جمع نمایندگان دیگر کشورها خواندند. بعد از این نشست، حبیبیه سرایی در نشست های بعدی با طالبان شرکت کرد. او به

نیمرخ می گوید: «بعضی از افراد فکر می کنند که تفکر طالبان درباره زنان نسبت به گذشته تغییراتی کرده است اما در این نشست ها متوجه شدم که نگاه طالبان به زنان تغییری نکرده است. من در مسکو (اولین نشست با طالبان) از استانکزی سوال کردم که چرا در ترکیب شما زن وجود ندارد؟ امیدوار هستم که بار دیگر زن (زنی در هیات طالبان مذاکره کننده) باشد. آنها گفتند که شما می توانید از زن های ما نامیدگی کنید. من جواب دادم که دقیقا از زن های شما می توانم نامیدگی کنم و به عنوان یک زن دردشان را درک می کنم اما نمی توانم از شما نامیدگی کنم.»

«در این دوره ما حتی از بعضی از نهادهای ناظر و نهادهایی که از نقش زنان و سایر افراد آسیب پذیر صحبت می کردند و با طالبان دیدار داشتند با آنها هم صحبت کردیم و خواستیم که (بر طالبان) فشار بیارود که چرا در ترکیبشان زن حضور ندراند. هیات طالبان چنین استدلال کردند که شرایط عرفی جامعه ما اجازه نمی دهد که زن را با خود (در هیات مذاکرکننده طالبان) داشته باشیم و حتی بعضی وقت ها می خواستند که ما را ملامت کنند. طالبان می گفتند که شما (نقش سمبولیک دارید و دولت می خواهد شما را علم کند و از نام شما (زنان) استفاده کند. می گفتند: شما بیچاره گک ها از خانواده هایان دور شدید اما وقتی در میز مذاکره با زنان متوجه شدند که زن ها استدلال و ایده دارند، می توانند خوب مذاکره کنند و می توانند یک سیاستمدار خوب باشند.»

فوزیه کوفی نیز سال گذشته در گفتگویی با بی بی سی، مشابه این تجربه را بیان می کند. فوزیه گفته بود: «از آنجایی که هیات ما نمایندگان زن داشت، به طالبان پیشنهاد دادم آن‌ها هم زنان را به میز مذاکره بیاورند. آن‌ها بلافاصله شروع به خندیدن کردند.»

●**طالبان، اعلامیه های حقوق بشر و ملل متحد را نپذیرفتند**
بگفته حبیبیه سرایی «در نشست دوحه قبلی اختلاف نظر وجود داشت، در برای اینکه اگر اختلاف نبود ما، در طرف میز مذاکره نمی بودیم. وقتی در نشست دوحه روی اعلامیه کار می کردیم، ما بیشتر روی حقوق زنان و اعلامیه های حقوق بشر تأکید داشتیم و در این بخش مشاجره لفظی و برخورد به وجود آمد. آنها می خواستند با آوردن کلمات اسلامی به عنوان پیوند یا پیوسته به ما بگویند که گویا شما مسلمان هستید نیستید مثلا باز هم موضوع حکومت اسلامی بود که ما برخورد کردیم که یکی از اعضای گروه ما گفت: شرم است برای ما (نمایندگان حکومت افغانستان) که از طرف ما کسی حکومت اسلامی را قبول نداشته باشد، من هم عصبی شدم و گفتم منظور ما این نیست که ما مسلمان هستیم و حکومت اسلامی را قبول نداریم بلکه ما امارت اسلامی را نمی خواهیم. سر همین موضوعات اساسی و یکسری از اعلامیه های حقوق بشر جنجال هایی بوجود آمد. پسری ما اعلامیه های حقوق بشر مثل متحد مهم بود که در آن وقت، آنها قبول نکردند.»

این عضو مذاکره کننده دولت افغانستان می گوید که در دور جدید مذاکرات بحث حقوق زنان در اجندای بحث ها نیامده است. او درباره اینکه سخنی از حقوق زنان در جلسات مطرح نخواهد شد، اظهار می دارد: «حق زنان یکی از دستاوردهای جمهوری اسلامی افغانستان است که در طی ۱۹ و ۲۰ سال گذشته ما آن را بدست آوردیم م آن را از طالبان خیرات نمی خواهیم، به همین خاطر در اجندا نیارودیم که شما در مورد حقوق ما چه نظری دارید، این حق ماست، ما نمی خواهیم



ویژه نامه فصل ناتمام صلح

● سال چهارم ● شماره ۱۲۷ ● شنبه ۱۱ دلو ۱۳۹۹ ● ۳۰ جنوری ۲۰۲۱

یافته‌های گزارش تحقیقی نیمرخ زنان، بزرگترین قربانیان توافقنامه صلح با طالبان

از طرف مقابل حقوق اسلامی زنان و عنعنات آمده که

این موارد، قابل بحث و گفتگو است که منظورشان از حقوق اسلامی و عنعنات چیست. البته به صورت گذرا من یک سوال از آنها کردم که منظورتان از عنعنات در اینجا چیست؟ گفتند: بخاطر این که یک منطقه نسبت به مناطق دیگر عنعنات متفاوت دارد.

مثلا در قریاب‌زنان چادرهای آبی می پوشند که منظورشان، چادری بود ولی در جنوب به شکل دیگری چادرشان می پوشند. منظورشان را طوری بیان کردند که گویا عنعنات/ رسوم یک منطقه بر منطقه دیگر تحمیل نشود.

تا جایی که من درک کردم منظورشان این بود که عنعنات غربی بر زنان تحمیل نشود این مسایلی است که در زمان مذاکره بیشتر روی آن بحث صورت می گیرد. موضوع حجاب، بحث مهم و اساسی است که باید سر آن بحث کنیم که آنها چگونه حجابی را می خواهند. در گفتگوی سال گذشته دوحه، خانم‌ها پرسیدند که منظورشان از حجاب اسلامی چیست؟ آنها گفتند همین چادر و لباس‌ان درست است.

روشنمد و اصلویتر شود.»
●**یکی از زنان مذاکره کننده صلح: گفتند جایی برای شما نیست**
تاجور کاکر در دومین نشست مذاکرات صلح با طالبان در مسکو حضور داشت. او به نیمرخ می گوید که از حضورش در یکی از جلسات گفتگو با طالبان ممانعت شده است. او با انتقاد از اعضای هیات افغانستان در این نشست می‌گوید که نقش ما زنان در این نشست نمادین بود. بعد از اینکه رهبران (مذاکره کنندگان از طرف افغانستان) با طالبان گپ زدند، باید یک زن گپ میدزد، حق من بود که در مورد حقوق زنان گپ بزنم اما به آنجا کسی به ما حق (اجازه صحبت کردن) نداد.

این عضو سابق مذاکره کننده با طالبان اظهار می دارد: «طالبان در دیگر هتل اقامت داشت و مردان حاضر در بحث ما با آن ها گپ میزدند ولی ما خبر نمی شدیم که چه بحث هایی مطرح شده است. رفتن ما نمایشی بود که دو زن هم در نشست حضور داشتند.»

این تمام ماجرای نشست صلح مسکو نبود بلکه در یکی از نشست‌هایی که اعضای هیات گفتگوکننده افغانستان و هیات طالبان با هم داشتند، به وی اجازه ورود در نشست داده نشده است: «سفر مسکو در کابل حتی مرا اجازه نداد که در مجلس (نشست مذاکره با طالبان) داخل شوم. مقابلم ایستاد و گفت: جای نیست.»

خانم کاکر می افزاید که تجربه چندین سفر مشترک با چهره های جهادی را دارد و در طول چندین سال بارها باخاطر گفتگوهای صلح و دیگر موارد با چهره های سیاسی و جهادی در خارج از افغانستان شرکت کرده است اما در تمام آن نشست‌ها اعضای هیات افغانستان همه دور یک میز می نشستند و برای منافع ملی لابی‌گری می کردند ولی در دومین نشست صلح مسکو که میان سران احزاب سیاسی و طالبان برگزار گردیده بود، اینگونه نبود.

خانم کاکر ادامه می دهد: «من در طول جنگ های داخلی هم به همراه مجاهدین در نشست های مختلف شرکت کردم. ام آنها (مجاهدین) هم می گفتند از حق زنان دفاع می کنیم اما از حق خود دفاع می کردند از حق زنان دفاع نمی‌کردند. در مسکو هم همین مردهایی که رفته بودند به جرات می‌گویم که هیچ کدامشان مسائل زن را مطرح نکردند.»

●**حقوق زنان جزو اجندای اصلی صلح نیست**
فوزیه کوفی، یکی دیگر از شرکت کنندگان در نشست صلح دوحه به نیمرخ می گوید: «در نشست مسکو مساله زنان در تمام صحبت ها یادآوری شد و گروه طالبان یکی را موظف کرده بودند که موقف آنها درباره زنان را مطرح می کرد. آنها گفتند: زنان نمی توانند قاضی و رئیس جمهور شوند. نشست دوم در مسکو موفقیتی آشپ نبود، چون بحث آتش بس بود که آنها مخالفت کردند. نشست سوم تمام کسب می صحبت می کردند، تقریبا همه زنان و قربانیان جنگ را

«گروه های جهادی ذهنیت هایشان وقتی

صحبت‌هایشان را ببینیم نسبت به سی سال قبل تغییر کرده است. من یقین دارم که اگر گروه طالبان هم وارد یک روند مردم سالار شود. ذهنیت های شان تغییر می‌کند.»



پس از چهارده ساعت مذاکره نفس گیر میان اعضای هیات دولت افغانستان و گروه طالبان در نهایت دو طرف فیصله مشترکشان را در قطعنامه‌ای ۸ ماده‌ای عمومی ساختند که در ماده ۶ این توافقنامه روی حقوق زنان اشاره شده است: «اطمینان از تأمین حقوق زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تعلیمی و فرهنگی در چارچوب ارزش‌های اسلامی و تأمین حقوق اقلیت‌های مذهبی.»

عمر زاخیلوال، یکی از اشتراک کنندگان این نشست، حضور پر رنگ زنان را در لابی‌گری برای حقوق زنان موثر می داند: «حضور زنان در قطر زیاد (چشمگیر) بود، هیچ خامی نبود که اجازه صحبت کردن نداشته باشد. طالبان هم تلاش می کردند که به خانم ها احساس راحتی بدهند تا بتوانند حرف‌هایشان را بزنند و در پاسخ های لفظی طالبان، بی احترامی درباره زنان دیده نشد ولی گفتم که قضاوت ما بر اساس ظاهر الفاظ است. نهایتا در قطعنامه خود و از آنچه که مردم از ما خواسته اند، دفاع کنیم.»

تمام اعضای هیات گفتگوکننده دولت، مهم و حیاتی است که روی آن یافته‌های صورت خواهد گرفت. به گفته وی موضوع حقوق زنان به قدری مهم است که چشم‌ها بسوی چهار خانم که در این نشست حضور دارند، دوخته شده است: «مسئولیت خواسته یا ناخواسته به گردن زنان است؛ بخاطر اینکه زنان افغانستان (زنان مذاکره کننده را) به چشم نماینده می بینند مسئولیت ما دو برابر است، یکی مسئولیت به تمام مذاکرات (چانه زنی درباره تمام موضوعات مذاکره) و دوم مسئله (حقوق) زنان حیاتی است که از طرف زنان مسئولیت داده شده است.»

خانم گیلاتی طرز دید و تفکر دو طرف میز مذاکره کننده را متفاوت ارزیابی کرده و می افزاید: «اسلامی که ما شناسیم با اسلامی که آنان [طالبان] می شناسند، فرق دارد اینها حقیقت‌هایی است که امکان ندارد، چشم خود را بسته کنیم و آسان نخواهد بود اما باید آماده باشیم که از حقوق خود و از آنچه که مردم از ما خواسته اند، دفاع کنیم.»

تنها توجه به طولانی شدن مذاکرات صلح افغانستان که تنها توجیه روی اصول مذاکرات نزدیک به سه ماه به طول انجامید به نظر می رسد که این کشور برای دستیابی به صلح راه درازی در پیش دارد. دیده شود که بعد از این در میز مذاکرات میان دو طرف چه خواهد گذشت.

●**اسلام طالبانی با اسلامی که ما می شناسیم، فرق می کند**
کرمی ارکمی رئیس شبکه زنان افغان یکی از اشتراک کنندگان در نشست سال قبل در دوحه بود. او در گفتگو با نیمرخ، حاکم بودن فضای برتری خواهی مردان نسبت به زنان در این نشست از اعضای هیات گفتگوکننده صلح افغانستان در این گفتگوها می‌کند و می افزاید: «زنان به دلیل اینکه تعدادشان نسبت به نشست های قبلی صلح بیشتر بود و اتحاد و اتفاق میان آنان وجود داشت، به مردانی که چنین دیدگاهی داشتند، اجازه داده شد که در میز گفتگو دیدگاهشان را عملی سازد.»

او ادامه می دهد: «هر چند این دیدگاه وجود داشت که مردان نسبت به زنان حق دارند کسانی بودند که فکر میکردند ما فلان شخصیت هستیم، ما بهتر و بالاتر هستیم. آن ها تلاش می کردند که حق بیشتر داشته باشند ولی در آنجا زنانی نبودند که سکوت کنند. زنانی نبودند که بترسد و بگویند هر چه شما بگویید، بسیاری حرف‌ها را زنان گفتند و دیگران به آن احترام کردند و پذیرفتند.»

فاطمه گیلاتی، دیگر عضو تیم مجبور تیم افغانستان به نیمرخ می‌گوید که موضوعاتی مانند حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها و آزادی بیان از جمله مواردی است که به حقوق بشر مربوط می شود، از همین رو این مسائل برای

ویژه نامه فصل ناتمام صلح

● سال چهارم ● شماره ۱۲۷ ● شنبه ۱۱ دلو ۱۳۹۹ ● ۳۰ جنوری ۲۰۲۱

●**عضو هیات طالبان: «ما از مریخ نیامدیم ولی قیام ما برای دفاع از حقوق زنان است.»**

«مولوی حنفی» یکی از اعضای هیات گفتگوکننده طالبان در مذاکره صلح دوحه می‌گوید که آنان حقوق زنان را بر اساس آن چیزی که در اسلام بیان شده است، احترام خواهند گذاشت، اما اینکه برداشته‌شان از حقوق زنان در اسلام چیست؟ این گروه دیدگاه و تعریف مشخصی از آن ارائه نمی‌کند.

این عضو هیات گفتگوکننده طالبان به نیمرخ می گوید: «یک بخش جنگ سرد دشمنان این بود که ما حقوق زنان را قبول نداریم، خانم ها خواهرهای ما هستند، مادرهای ما هستند، ما از مریخ نیامدیم از همه زیادتر ما با مادران خود با خواهران خود احترام داریم و همه حقوق که در چوکات اسلام به خانم ها داده شده حمایت می‌کنیم. اصلا قیام ما بخاطر دفاع از حقوق خانم‌ها بوده است. شما اگر به قیام ملا عمر نظر کنید، بخاطر دفاع از حیثیت خانم‌ها بوده است.»

●**تحقیقات چه می گویند؟**
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال گذشته میلادی همزمان با نشست های نمایندگان حکومت افغانستان با طالبان نتایج یافته های تحقیقی خود را منتشر کرد. در این تحقیق که برای بررسی نگرش زنان افغانستان درباره صلح با طالبان انجام شده، آمده است: «زنان معتقدند که نقش نمایندگان آنها در روند صلح با طالبان نامدین بوده است و باید به آنها نقش فعال در تصمیم گیری ها درباره صلح داده شود.»

زنان شرکت کننده در این تحقیق گفتند که به پایبند بودن جامعه جهانی به تعهداتش درباره حفظ حقوق و آزادی های زنان و متعهد بودن طالبان به حقوق زنان اعتماد و باور ندارند.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می‌گوید که فعالان زن می‌خواهند یک شبکه متحد و یکپارچه را ایجاد کنند تا

تمام اعضای هیات گفتگوکننده دولت، مهم و حیاتی است که روی آن مشکلات ناشی از آمدن طالبان در قدرت است. خدیجه: «تشکیل حکومت اسلامی توسط طالبان یعنی حذف زنان از جامعه یعنی آغاز دورانی سخت برای زنان افغانستان.»

عارفه: ما نباید چنین صلحی را بپذیریم.

حکومت اسلامی مشخص است که چگونه است چون در انصورت فقط نام از اسلام برده میشه اما همه ی اعمال مردان بر اساس تفسیر های مردانه از اسلام خواهد بود و مطمنا هربوع اعمالش را توجیه دینی میکند نکته دیگر اینکه جامعه ما سنتی و اکثریت بیسواد است و برداشت دقیق از دین نداریم همینکه بشنویم چنین امری در دین اسلام است، کور کورانه هم عمل می‌کنیم پس از این جهت این‌ا می‌تواند اعمالش را توجیه دینی نموده و بالای مردم تطبیق نمایند **عادله:** اگر طالبان بیایند باید شغلم را عوض کنم یا از اینجا (افغانستان) بروم.
زحل: آنچه به خبرنگاران درباره وضعیت زنان گفته اند این هست که فقط شغل دکتر زنان و اجازه درس خواندن را قبول دارند. حتی شغل معلمی را هم قبول نکرده اند.
عزیزه: من تجربه زندگی در شرایط امارت طالبانی را ندارم. آنچه که دیگران از تجربیات شان از دوره سیاه طالبان روایت می‌کند، تصور زندگی در چنان شرایطی برایم ناممکن به نظر می رسد. اگر صلح به قیمت تحمیل شرایط خفقان طالبانی حاکم شود، این صلح پایدار نخواهد ماند.

●**بهبشته:** توافق نامه صلحی که آزادی مرا محدود کند، صلح نیست. صلحی که آزادی بیان نباشد، صلح نیست. صلحی که زنان بدون آرامش خاطر یعنی وقتی از خانه به درس ، تحصیل و کار بیرون می شوند، نگران نوع پوشش خود، شلاق خوردن باشند، صلح نیست.

●**مسئوره:** هرگز نمی پذیرم، مادران ما مزه تلخ حکومت اسلامی را چشیده و تا هنوز که هنوز است نناوسته حق های اندست رفته شان را جبران کند . وتغییرات که میاورد شاید ما مثل دور قبل خانه نشین شویم ویا ترک کشور .

آزاده: نه اصن قابل قبول نیست چون این صلح نی بلکه تقسیم کردن حکومت است و آن زمان هر کدام آنها به خواست خود بالای مردم حکومت خواهد کرد یکی از دموکراسی و دیگری بنام اسلام زندگی را بالای مردم غریب و مخصوصن زنان تلخ خواهد کرد .حکومت اسلامی طالبان یعنی برگشتن به عقب .

شبانه: قربانی جنگ من وهمجنسانم بودیم وحالا نمیخواهم قربانی صلح هم باشیم!!
ربابه: به نظر من وقتی مجرم در نظام حکومت باشد هیچ گاهی عدالت تأمین نمیشود و مردم هم بی باور به آن حکومت خواهد بود مثلی که ما امروزه چنین وضعیتی را در افغانستان داریم.

زینب: قابل پذیرش نیست. از کار کردند اطمینان ندارم، از اندک آزادی هایی که فعال دارم اطمینان ندارم. من این صلح را نمی خواهم.

دولت و جامعه جهانی را وادار کنند که به زنان سهمی با صلاحیتی برابر با مردان با حق حق وتو در تصمیم گیری‌ها داده شود.

تحقیق مشابهی را شبکه زنان افغان درباره روند صلح با طالبان در ماه اکتبر سال گذشته انجام داده و نظر ۸۰۰ زن در هشت ولایت افغانستان را پرسیده است. این تحقیق نشان می دهد که اکثریت پاسخ دهندگان نگرانی عمده آنها درباره حمایت از حقوق زنان در توافق صلح است. بیش از ۹۰ درصد می گویند که حمایت از حقوق زنان در مذاکرات صلح مهم است و تعداد قابل توجهی از پاسخ دهندگان نگران از دست دادن دستاوردهای دو دهه گذشته زنان افغانستان هستند. به عنوان مثال، ۸۸ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که باید از حق تحصیل زنان حمایت شود.

به دنبال آن حمایت از حق انتخاب شریک زندگی (۸۰ درصد)، حق کار (۷۶ درصد) و حق رأی دهی (۷۴ درصد) نیز ذکر گردیده است.

●**واکنش نهادهای مدافع حقوق زنان**
بررسی هفته نامه نیمرخ درباره واکنش نهادهای مدافع حقوق زن نشان می دهد که این نهادها نقش چشمگیری در تائیدگرذاری در حفظ حقوق و آزادی های زنان در گفتگوهای صلح نداشته اند.

این نقش بیشتر به جمع آوری امضا و ارسال یک نامه به کنگره امریکا محدود شده است. در تابستان گذشته جمعی از نمایندگان زن مجلس نمایندگان افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و تعدادی از نهادهای مدنی با ارسال یک نامه به کنگره امریکا از به خطر افتادن دستاوردهای حقوق و آزادی های زنان، اقلیت ها و مشارکت های سیاسی و مدنی به قیمت دستیابی به توافق صلح با طالبان ابراز نگرانی کردند اما پاسخ کنگره امریکا به این نامه در رسانه ها منتشر نشد، هر چند از ظاهر امر پیداست که اقدام عملی برای حفظ این دستاوردها از سوی امریکا و متحدانش در گفتگوهای انجام نشد.

آنچه از دست می دهیم

آزادی نسبی زنان است

سکینه: اگر طالبان بیایند همین آزادی نسبی که زنان دارند را هم از دست خواهند داد.

این فقط بخشی از مشکلات ناشی از آمدن طالبان در قدرت است.

خدیجه: «تشکیل حکومت اسلامی توسط طالبان یعنی حذف زنان از جامعه یعنی آغاز دورانی سخت برای زنان افغانستان.»

عارفه: ما نباید چنین صلحی را بپذیریم.

حکومت اسلامی مشخص است که چگونه است چون در انصورت فقط نام از اسلام برده میشه اما همه ی اعمال مردان بر اساس تفسیر های مردانه از اسلام خواهد بود و مطمنا هربوع اعمالش را توجیه دینی میکند

نکته دیگر اینکه جامعه ما سنتی و اکثریت بیسواد است و برداشت دقیق از دین نداریم همینکه بشنویم چنین امری در دین اسلام است، کور کورانه هم عمل می‌کنیم پس از این جهت این‌ا می‌تواند اعمالش را توجیه دینی نموده و بالای مردم تطبیق نمایند **عادله:** اگر طالبان بیایند باید شغلم را عوض کنم یا از اینجا (افغانستان) بروم.
زحل: آنچه به خبرنگاران درباره وضعیت زنان گفته اند این هست که فقط شغل دکتر زنان و اجازه درس خواندن را قبول دارند. حتی شغل معلمی را هم قبول نکرده اند.
عزیزه: من تجربه زندگی در شرایط امارت طالبانی را ندارم. آنچه که دیگران از تجربیات شان از دوره سیاه طالبان روایت می‌کند، تصور زندگی در چنان شرایطی برایم ناممکن به نظر می رسد. اگر صلح به قیمت تحمیل شرایط خفقان طالبانی حاکم شود، این صلح پایدار نخواهد ماند.

●**بهبشته:** توافق نامه صلحی که آزادی مرا محدود کند، صلح نیست. صلحی که آزادی بیان نباشد، صلح نیست. صلحی که زنان بدون آرامش خاطر یعنی وقتی از خانه به درس ، تحصیل و کار بیرون می شوند، نگران نوع پوشش خود، شلاق خوردن باشند، صلح نیست.

●**مسئوره:** هرگز نمی پذیرم، مادران ما مزه تلخ حکومت اسلامی را چشیده و تا هنوز که هنوز است نناوسته حق های اندست رفته شان را جبران کند . وتغییرات که میاورد شاید ما مثل دور قبل خانه نشین شویم ویا ترک کشور .

آزاده: نه اصن قابل قبول نیست چون این صلح نی بلکه تقسیم کردن حکومت است و آن زمان هر کدام آنها به خواست خود بالای مردم حکومت خواهد کرد یکی از دموکراسی و دیگری بنام اسلام زندگی را بالای مردم غریب و مخصوصن زنان تلخ خواهد کرد .حکومت اسلامی طالبان یعنی برگشتن به عقب .

شبانه: قربانی جنگ من وهمجنسانم بودیم وحالا نمیخواهم قربانی صلح هم باشیم!!
ربابه: به نظر من وقتی مجرم در نظام حکومت باشد هیچ گاهی عدالت تأمین نمیشود و مردم هم بی باور به آن حکومت خواهد بود مثلی که ما امروزه چنین وضعیتی را در افغانستان داریم.

زینب: قابل پذیرش نیست. از کار کردند اطمینان ندارم، از اندک آزادی هایی که فعال دارم اطمینان ندارم. من این صلح را نمی خواهم.



چرا هنوز به رهبران زن باعتقاد هستیم؟

ز مینه

ها که در آن ها

مردم نمی توانند کاملاً صادقانه رفتار کنند، به انحراف کشانده و نتیجه تحقیقات با ابهامات مواجه می شود.

در ایالات متحده، نخستین مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۸ منجر به یافته‌های جالب در علوم سیاسی راجع به مخالفت و موافقت‌های آشکار درباره کاندیداتوری ریاست جمهوری زن شد. در یک مطالعه، بیش از یک

باشند.

شاین نگوین ۳۳

ساله ساکن لس آنجلس که وب سایتی را مدیریت می کند، می گوید: «اگر من کاملاً صادق باشم، من رهبری یک مرد را برای اداره وب سایت به یک رهبر زن ترجیح می دهم.» طبق گفته های آلیس

مناسب دانسته نمی شود.

در سازمانها و بخصوص در موقعیت‌های سیاسی خصلت‌های زنان و اقلیت‌ها بیشتر مشهود است که وضعیت را بیشتر پیچیده می‌سازد و آنان را برای دیگران انگشت‌نما می‌گردانند که باید تلاش کنند خود را با انتظارات مسلط جامعه سازگار سازند.

راه‌حل: دیدگاه درباره نقش‌های رهبری تغییر یابد
 ایگل می گوید: یک راه حل برای برابری جنسیتی این است که نه چهره زن و مرد، بلکه دیدگاه خود را نسبت به نقش‌های رهبری تغییر دهیم.

او به تمرکز آردن، نخست وزیر نیوزلند به منافع عمومی نیوزلندی‌ها در خلال بیماری کوید ۱۹ و اقتدار محکم مرکز در آن زمان اشاره می‌کند. اینان مردان قدرتمند نبودند که بر اقتصاد و مقاومت برای همکاری تمرکز کردند که یکی از کلیشه‌های نشان دهنده قدرت به شمار می‌روند.

اکشی شاولا، یک محقق مستقل در دهلی که خبرنگار رهبری زنان را رهبری کرده است، به این باور است که رسانه‌ها و سازندگان فرهنگ عمومی نقش اساسی دارند. اگر پوشش و سخن گفتن درباره رهبری زنان قرار است تأثیر دوامدار داشته باشد، باید به طور دوامدار منظم و به شیوه انتقادی آن را مطرح کنیم.

در سطح پالیسی‌سازی، حمایت از سهمیه‌بندی جنسیتی و مراقبت از اطفال از جمله ابزارهای است که به وضوح می‌تواند مشارکت زنان را در نقش‌های رهبری بهبود بخشد. محیط کاری افراد می‌تواند به عنوان مثال از طریق حمایت از شبکه‌های نقش‌های نمونه و ایجاد انعطاف‌پذیری در کار رهبران زن را کمک کند.

تغییر اذهان مردم دشوار اما اساسی است. در سطح فردی، کسب تجارب معین در زندگی ممکن است که برای مقابله با سوگیری‌های جنسیتی کمک کند. اونیو شرح می‌دهد که در جاپان، مردان کهنسال‌تر ممکن است که علیه زنان همکار و شریک زندگیشان تبعیض بیشتری روا دارند که لازمه آن رهبران بیشتر زن می‌باشند. در ایالات متحده آمریکا، مردانی که اولین فرزندان، دختر باشند، احتمال بیشتری دارد که از کاندیداهای سیاسی زن حمایت کنند. اونیو می‌افزاید این چیزی است که برای خود من هم اتفاق افتاده است. من از هنگامیکه صاحب دختر شدم بیشتر

علاقمنده به حمایت از مسایل جنسیتی شده‌ام. دخترم شش ساله است و من اینک نگران آینده‌ای او استم.

ایگلی، روان شناس در دانشگاه نورث وسترن ایلینوی، این نوع باورها تعجب آور نیستند. تصور این است که زنان قاطع و مقتدر نیستند. بخاطر اینکه اینها ویژگی‌هایی هستند که بطور سنتی به مردان داده شده است. یک آگاه علوم سیاسی می

گوید که کاندیداهای زن یا دشواری بیشتری روبرو می شوند که با چه راهکاری برای پیروزی در انتخابات، حمایت بیشتر مردم را می توانند داشته باشند؛ زیرا انحراف از کلیشه های جنسیتی ممکن است برای زنان پیامدهای منفی داشته باشد.

در عین حال، همراهی با کلیشه‌های جنسیتی برای آنان نیز زیان بار است. بنابراین، برای سیاستمداران زن بسیار دشوار است که در تدوین استراتژی خود نقطه اساسی را بیابند. این نابینی مضاعف همچنین نسبت به دیگر گروه‌هایی که ممکن است به دلیل موافقت یا مخالفت با سوگیری‌ها مورد انتقاد قرار بگیرد، صادق است. در جوامع چند نژادی،

زنان رنگین پوست اغلب به شیوه خاص مورد سوگیری قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، کلیشه ذهنی علیه زنان سیاه پوست «انزجارآور» بودن آنان است و علیه زنان آسیایی «مطیع بودن» آنان است که برای رهبری

چهارم پاسخ‌گویان تحقیق، هنگامی که این سوال در میان دیگر سوال‌ها مطرح شده بود، اظهار داشتند که از تصور ریاست جمهوری یک زن ناراحت و خشمگین می‌شوند. این نوع پرسش نسبت به نظرسنجی‌های

متعارف، تفاوت زیاد داشت. به نحو مشابهی، تحقیق سال ۲۰۱۹ نشان داد که زنان دو برابر بیشتر از حالت عادی نسبت به رهبری زنان واکنش منفی نشان دادند و در این زمینه هنگامی که سوالات بیشتر غیرمستقیم پرسیده می‌شد، تقریباً فرق بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها از بین می‌رفت.

سوگیری‌های عمیق
 یک باور رایج بین مردان و زنان این است که زنان برای رهبری بسیار ظریف و شکننده هستند. بر اساس گزارش مرکز ویلسون در مورد رهبری عمومی زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا تصور عمومی در مورد توانایی رهبری زنان، میزان قدرت و توانایی آنها در طول کار است. بعضی افراد فکر نمی‌کنند که برداشت شخصیشان این باشد که

آنها یک طیف از جامعه را نسبت به طیف دیگر جامعه ضعیف تر می‌دانند بلکه توجیهشان این است که زنان از نظر بیولوژیکی ضعیف تر از مردان خلق شده‌اند، به این خاطر احتمال دارد که رهبران زن ضعیف تر

دانشمندان علم سیاست دریافته‌اند که اگر از مردان راجع به پیش‌دوریشان علیه زنان به طور مستقیم سوال شود، بسیاری از پاسخگویان پیش‌دوری خود را رد و انکار می‌کنند. این عمدتاً به دلیل عدم مقبولیت سوگیری به لحاظ اجتماعی است. اساساً دشوار است که مردم باوری را بپذیرند که به لحاظ اجتماعی قابل قبول نیست. عدم مطلوبیت سوگیری اجتماعی، محققان و سروی کنندگان در نظر سنجی‌ها را در بسیاری از



کاملا هریس، معاون رییس جمهور آمریکا

دانشمندان علم سیاست دریافته‌اند که اگر از مردان راجع به پیش‌دوریشان علیه زنان به طور مستقیم سوال شود، بسیاری از پاسخگویان پیش‌دوری خود را رد و انکار می‌کنند. این عمدتاً به دلیل عدم مقبولیت سوگیری به لحاظ اجتماعی است. اساساً دشوار است که مردم باوری را بپذیرند که به لحاظ اجتماعی قابل قبول نیست.



مایا ساندو، رییس جمهور مولداوی



جاسیندا آردن، نخست وزیر نیوزلند



انگلا مرکل، نخست وزیر آلمان

غمگین‌ترین زن جهانم»

«من امشب» داستان مرگ مرموز لیلیا



«برای لیلیا پرستار گرفتم تا هر روز خبرش را بگیرد. من با لیلیا هر روز از طریق تلفن حرف می‌زدم اما دیگر لیلیا تلفنش را برنداشت. ارتباط ما قطع شد. دو روز بعد از شماره‌ی لیلیا تماس از دست رفته دریافت کردم. هیجان زده شدم که لیلیا دوباره می‌خواهد با من صحبت دوباره می‌خواهد با من صحبت کند.»

زنان در هرات به گونه‌ای نمایشی است که هیچ کسی مسئولیت لیلیا را به عهده نگرفت. «برای لیلیا پرستار گرفتم تا هر روز خبرش را بگیرد. من با لیلیا هر روز از طریق تلفن حرف می‌زدم اما دیگر لیلیا تلفنش را برنداشت. ارتباط ما قطع شد. دو روز بعد از شماره‌ی لیلیا تماس از دست رفته دریافت کردم. هیجان زده شدم که لیلیا دوباره می‌خواهد با من صحبت کند. زنگ زدم. ولی تلفنش را کس دیگری برداشت و گفت: دیگر نیاز نیست به لیلیا زنگ بزنید چون ما لیلیا را از دست دادیم! چگونه ممکن است؟ او که حالش خوب بود. درد داشت، زخم‌های عمیق بود. ولی هنوز مقاومت می‌کرد. او به من لبخند می‌زد. قصه می‌کرد. مرگ او مرموز است.»

هرات یکی از شهرهای بزرگ افغانستان است که بیش‌تر با چهره‌ی فرهنگی و قدامت تاریخی‌اش شناخته می‌شود. ولی در سال‌های اخیر گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از آزار و اذیت زنان هراتی منتشر می‌شود. خانم کرامت می‌گوید: «در هرات سالانه هزینه‌های هنگفتی به نام زنان به مصرف می‌رسد. ولی هنوز زنان مصونیت ندارند. چون عزل و نصب افراد و مسئولان حکومتی به گونه‌ی سلیقه‌ای صورت می‌گیرد. زنانی هم که به سمت‌ها گماشته می‌شوند براساس توانایی راه نمی‌یابند. آنان به سوار شدن موتر زرهی دل‌خوش‌اند و فکر می‌کنند شرکت در سمینار و جلسه و ملاقات‌های سیاسی کافی‌ست. اما مرگ لیلیا و صدها لیلیای دیگر را هرگز نمی‌بینند.»

خانم کرامت می‌گوید: «برای نجات لیلیا بسیار تلاش کردیم. لیلیا را به بنیاد خیریه پیر هرات بردیم، مسؤولیت

به گفته‌ی خانم کرامت فقط ریاست امور زنان ده هزار افغانی برای تداوی لیلیا در نظر گرفته بود که هیچ‌یک از دردهای او را نمی‌توانست درمان کند. زهرا هر قدر تقلا می‌کند هیچ پناهی برای لیلیا پیدا نمی‌کند. بنابراین مجبور می‌شود که لیلیا را دوباره به خانه و پیش همسرش می‌فرستد و از همسرش تعهد می‌گیرد که دیگر لیلیا را لت‌وکوب نکند. زهرا وعده می‌دهد که یک هفته بعد دوباره برای پیگیری تداوی لیلیا خواهد آمد. او ادامه می‌دهد: «هر روز با او تلفنی صحبت می‌کردم و از یکی از افراد قریه به سراغش می‌رفت تا زخم‌هایش را پانسمان کند.» خانم کرامت می‌گوید لیلیا در پیش چشم‌ان همه نهاد حامی زنان و فعالان حقوق زن جان داد ولی هیچ‌کس به دانش نرسید.

کیمبرخ
لیلا مُرد ...
من امشب غمگین‌ترین زن جهانم
شمع‌ها را روشن می‌کنم و در تاریک‌ترین سوی اتاق می‌نشینم ازین فاصله دور و ازین دور دست‌های ناتوانی برای لیلیا و لیلیاهای سرزمینم یک دل‌سیر اشک میریزم.

من و شما خوب میدانیم لیلیا تنها قربانی دردهای عمیق این مرز و بوم نیست. چه دست‌کوتاهی داریم چه دست‌نحیفی داریم برای یاری‌رسانی و کمک به آنانی که سخت‌محتاج‌اند زخم‌های لیلیا یادم نمی‌رود، اصلاً محال است فراموش کنم.

زخم‌هایی که با داستان ناتوان خود شُستم. من قبل از اینکه وارد کار در عرصه زنان شوم فکر میکردم که خشونت علیه یک زن فقط یک سیلی سرد است و بس، شاید هم چند داد و فریاد اما وقتی عملاً کارم را شروع کردم دریافتیم که خشونت بر علیه یک زن در اجتماع یعنی لیلیا.

یعنی قطع نخاع شدن یعنی زخم بستر شدن یعنی مُردن در فجیع‌ترین حالت ممکن و در سکوت محضی که نمی‌شود یا هم‌نمی‌توان فریادش کرد.

زهرا کرامت این دلنوشته را چندی پیش در صفحه‌اش منتشر کرده بود تا خبر مرگ لیلیا را بدهد.

لیلیا، زن ۲۵ ساله‌ی هراتی در پیش چشم‌ان ده‌ها فعال حقوق زن، نهادهای حامی زنان و ریاست امور زنان هرات جان داد ولی هیچ‌کس به دانش نرسیدند.

زهرا کرامت، کارمند دفتر واسا و فعال حقوق زنان در هرات، در گفت‌وگو با هفته‌نامه نیم‌رخ، داستان لیلیا را روایت می‌کند.

زهرا کرامت، چند هفته قبل برای آگاهی‌دهی در مورد آموزش و ازدواج زیر سن به منطقه‌ای موسوم به «کبابیان» هرات رفته بود.

او می‌گوید وقتی در مورد انواع خشونت از شرکت‌کنندگان برنامه خواستم یک نمونه بگویند، کسی برخاست و لیلیا را مثال زد.

لیلیا زن ۲۵ ساله‌ای که سه دختر داشت، مورد لت‌وکوب قرار گرفته بود. لگدهای شوهرش باعث قطع نخاع او شده بود.

این داستان لیلیا، زهرا را وادار می‌کند تا به دیدن او برود.

زهرا می‌گوید وقتی به دیدن لیلیا رفتم، او را در خانه‌ای یافتیم که با کم‌ترین امکانات انسانی زندگی می‌کند. او نفس می‌کشید ولی در میان مگس‌ها و خس و خاشاک خانه گم شده بود با این حال شوهرش او را در همان حال لت‌وکوب می‌کرد.

مرگ لیلیا در شهر من دیده نمی‌شود

خانم کرامت می‌گوید این موضوع را با نهادهای مختلف در میان گذاشتیم ولی عمل کرد نهادهای مدافع حقوق

رابطه‌های خونی و زنانی که خون‌گریستند

ماجرای زوج‌های با گروپ‌های خون همسان و آینده تاریک اطفال معیوب

یکدیگر ازدواج می‌کنند و اطفال مرده به دنیا می‌آورند یا اطفالشان معیوب به دنیا می‌آیند. و نتیجه آن این می‌شود که بسیاری از زوج‌ها بعد از عروسی به دلیل عقیمی/نازایی یکی از زوجین، صاحب فرزند نمی‌شوند و تمام زندگی این زوج‌ها به تلخی سپری می‌شوند. آیا وقت آن نرسیده است که در زمان خواستگاری در پهلوی مسائل دیگر به مساله گروپ خون، مرضی‌های بدون علاج و یا عقامت توجه شود؟



شیون بسیار بلندی از پیش روی ساختمان مرکزی شفاخانه، همه را شوکه کرد، با تعدادی از مردان به پیش روی ساختمان شفاخانه رفتیم، دو زن که در داخل موترنشسته بودند با صدای بلند گریه می‌کردند، مردی که همراه این زنان بود آن‌ها را به آرامش دعوت می‌کرد، اما ظاهراً کارش نتیجه بخش نبود.

یکی از پرستاران به همکاری که کنارش ایستاده بود، گفت:

-گروپ خون زن و شوی یکی بود، طفلکشان مرد، -بخیمال که مثل امو مریض که شو! شب جمعه طفلش معیوب به دنیا آمده بود، اینا هم بچه و دختر کاکا بودند.

-نی خواهر جان اینا صرف گروپ خونشان یکی بود.

من که متوجه صحبت‌های این پرستاران بودم، به یاد روزهای خواستگاری، مراسم نامزدی و نکاح دوستانم افتادم، در آن مراسم از همه چیز، شغل پسر، خانه، درآمد ماهانه و ... پرسیده می‌شود و خانواده پسر هم به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم درباره اخلاق دختر، عفت و سلوک اجتماعی آن، مهارت در پخت و پز و ... می‌پرسند اما درباره گروپ‌های خون دو طرف هیچ‌سوالی پرسیده نمی‌شود. درباره بیماری‌های واگیر و بدون علاج و عقیمی سوالی پرسیده نمی‌شود و نتیجه آن این می‌شود که دختران و پسران با گروه‌های خون همسان با

شفاخانه می‌رود تا پرستاران از داخل ساختمان با کراچی مخصوصشان بیایند و زن را به داخل شفاخانه ببرند، اما مسئول بخش به مرد اجازه نمی‌دهد که وارد ساختمان شفاخانه شوند.

یکی از مردهای ریش‌سفید که شاهد تمام ماجرا بود، می‌آید و در گوشش چیزی می‌گوید، مرد جوان دوباره نزد مسئول دروازه می‌رود و در دستش چیزی می‌دهد، مرد داخل شفاخانه می‌شود و بعد از چند لحظه یک خانم مسن با کراچی مخصوص انتقال زنان باردار از ساختمان شفاخانه بیرون می‌شود و زن را به داخل شفاخانه انتقال می‌دهد.

مردان زیادی در نزدیک اتاق که بالای آن بلندگو نصب شده است، جمع شده‌اند و هر کس تلاش می‌کند تا از یک دریچه کوچک با زنانی که آن طرف دریچه ایستاده‌اند، تماس برقرار کنند، همه تلاش می‌کنند تا ترموز چای، ظروف پر از غذا و خریطه‌های ادویه که از دواخانه‌های بیرون شفاخانه خریده‌اند را به دست این زنان بدهند، وقتی من هم به نزدیک دریچه رسیدم، متوجه شدم که زنان داخل اتاق تنها وسایل کسانی را می‌گیرند که همراه وسایل یک مقدار پول هم می‌دهند.

درمیان تعدادی زیادی از مردان، یک پسر جوان هم تلاش می‌کند تا خریطه مملو از دوا و یک موبایل را به یکی از زنان بدهد، قبل از این که خریطه را به دست پرستار بدهد، صدای گریه و



لطیف آرش
نویسنده و استاد دانشگاه

هوای سرد در حویلی شفاخانه روزه می‌کشید، سردی هوا به قدری زیاد بود که کسی توان ایستاد شدن را نداشت، از همین رو همه مردم که در داخل صحن حویلی بودند، قدم می‌زدند و تعدادی از مردهای ریش‌سفید و خسته با کمپل‌های چرکین در هر کنج و کنار حویلی خوابیده بودند، آرامش شب را بلندگو و موتری برهم می‌زد که یکی از زنان باردار را به داخل صحن شفاخانه می‌آورد. بلندگوی شفاخانه نام مردانی را می‌خواند که زنانشان در داخل ساختمان شفاخانه در حال زایمان بودند.

یکی دیگر از موترها وارد حویلی می‌شود، برخلاف روزهای معمول، خانمی که در داخل موتر/ماشین است، با صدای بسیار بلند گریه می‌کند، صدایش آن قدر بلند است که در تمامی بخش‌های شفاخانه شنیده می‌شود، تعدادی از مردان به دور موتر جمع می‌شوند، صدای عقب ماشین، یک بانوی جوان و زن پیچه سفید/پیرزن نشسته‌اند، زن جوان از درد به خود می‌پیچد و لحظه به لحظه به دردش افزوده می‌شود و جیغ‌های زن هم بلندتر و بلندتر می‌شود، مردی جوان که ظاهراً از پایواژها/همراهیان این زن است، نزد مسئول دروازه

زنانی که در مقابل دیکتاتوری ایستادند



حسین احمدی

این عکس و قطعه‌ی ویدیویی از این لحظه‌ی تاریخی باعث شد بزرگ‌ترین رسانه‌های دنیا در به‌در دنبال کانال‌های ارتباطی با آلا صلاح بگردند. آلا صلاح دیگر یک دانش‌جوی معترض نبود بلکه لقب کنده‌اکه/ملکه سودان را گرفت و نماد انقلاب این کشور شده بود. این یک فرصت تاریخی بود که جهان را متوجه سودان بسازد. دیری نپایید که ارتش دست به کار شد و طبق خواست مردم، عمرالبشیر را از تخت حکمروایی پایین آورد.

سپس آلا صلاح اعلام کرد که «زنان سودان همیشه در انقلاب‌های این کشور شرکت داشتند. اگر تاریخ سودان را بخوانید می‌بینید که ملکه‌های ما دولت را هدایت می‌کردند. این بخشی از میراث ماست. افتخار می‌کنم که در این انقلاب شرکت کردم و خوش‌حالم که انقلاب ما اولین هدفش را به دست آورد و عمرالبشیر از قدرت کنار رفت.»

با کناره‌گیری عمرالبشیر از قدرت در سودان رهبران ارتش این کشور حکومت موقت دو ساله اعلام کردند که رهبری دولت را یک شورای نظامی به عهده داشت.

زنان سودان از پاننشستند در این بین ده‌ها هزار مرد معترض آنان را همراهی می‌کردند، اما نشر تصویر آلا صلاح و حضور ۰۸ درصدی زنان در جریان اعتراض‌ها باعث شد که این جنبش «انقلاب زنان» لقب بگیرد.

مردم سودان که از تاراج شدن انقلاب به دست نظامی‌ها شبیه انقلاب مصر و تصرف قدرت توسط جنرال سی‌سی هراس داشتند، ظرف دو شبانه‌روز حکومت نظامی را وادار به استعفا کردند.

جنبش آزادی و تغییر(انقلابیون) با ارتش مذاکره کردند و یک شورای حاکمیتی متشکل از یازده عضو تشکیل دادند که عایشه موسا به عنوان یگانه زن عضو این هیأت انتخاب بود تا دولت را رهبری کنند.

جشن و پایکوبی برای حق پوشیدن شلوار

عبدالله حمدوک/ رئیس حکومت بعد از عمرالبشیر، تمام قوانین سرکوب‌گرانه‌ی نظام اسلامی عمرالبشیر را لغو کرد و به خاطر ظلم و ستم‌های ناشی از اجرای این قوانین، به زنان ادای احترام کرد.

دوباره زنان سودان به جاده‌ها ریختند. اما این بار نه برای تغییر رژیم، بلکه برای جشن گرفتن رفع محدودیت‌های حجاب و آزاد شدن پوشیدن شلوار برای زنان سودان. البته که پس از این هیچ دختر ده ساله‌ی سودانی مجبور به ازدواج نخواهد شد، وگرنه مورد حمایت قانون است.

براساس سیاست حکومت عمرالبشیر، حجاب برای زنان اجباری بود، اما هیچ زنی حق پوشیدن شلوار نداشت. سالانه بین ۰۴ تا ۰۵ هزار زن به خاطر پوشش‌شان توسط پولیس دستگیر و شکنجه می‌شدند.

امروز زنان در سودان معترفند که اگر آلا صلاح روی آن سکوا/بالای ماشین بلند نمی‌شد و علیه قوانین سخت‌گیرانه‌ی دینی حکومت اسلامی عمرالبشیر اعتراض نمی‌کرد، انقلاب به این زودی‌ها به پیروزی نمی‌رسید و هرگز صلح در کشور برقرار نمی‌شد تا مثل امروز لیگ فوتبال زنان سودان دایر شود.



قوانین اسلامی بلند بود. بیش از ۰۸ درصد معترضان را زنان تشکیل می‌دادند. در این مدت بیش از هفتاد نفر کشته شدند. به همین دلیل آمریکا، بریتانیا و شماری از نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری از حکومت مرکزی سودان خواستند در برابر معترضان خویشتن‌داری کنند. در همین هیاهو بود که یک دختر دانشجوی از «دانشگاه بین‌المللی خارطوم» به معترضان پیوست.

چون این صحنه‌ی رمانتیک توسط دوربین مایبل «لانا هارون» ثبت و در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. نشر

ملکه‌ها سکوت را شکستند جنگ داخلی، کاهش درآمد دولت، کم‌کاری دولت در عرضه خدمات و زیربنا، محدودیت‌های اجتماعی و دیکتاتوری باعث شد که ملکه‌ها سکوت‌شان را بشکنند. آن چه مردم به ویژه زنان را همدست کرد تا جنبش مدنی برای مختومه کردن نظام دیکتاتوری تشکیل دهند، قوانین اسلامی سخت‌گیرانه‌ای بود که از سوی دولت بر زنان اعمال می‌شد.

چهار ماه تمام در امتداد رود نیل و شهر خارطوم صدای اعتراض و بی‌زاری مردم از ظلم و شکنجه و محدودیت‌های

اولین فرمانروای زن

زنان در مسیر تاریخ قسمت بیست و نهم



حسین رهیاب بلخی

پژوهشگر و نویسنده

فرعون مصر مونث شناخته شده است.

به طور کلی زنان در تمدن‌های باستانی از احترام و منزلت والایی در عرصه‌های زندگی برخوردار بودند. مصر خدایان زن همانند اسیس (Isis) و مت (Maat) داشت. آنان سمبول معرفت، نبوغ و عدالت بودند.

فعالیت‌های زنان در قرن اخیر

فعالیت‌های آزادی خواهانه‌ی زنان در مصر ابتدا با تلاش اصلاح‌طلبان دینی آغاز شد. از قاسم امین اغلب به عنوان «پدر» نهضت آزادی زنان در جهان عرب یاد می‌کنند. او یکی از پیروان اصلاح‌طلب بزرگ مسلمان، محمد عبده بود که همراه با جمال‌الدین افغانی یکی از شخصیت‌های مهم سنت آزادی خواهی عرب به شمار می‌آمد. کتاب‌های قاسم امین «آزادی زنان» در ۱۸۹۹ و «زن نوین» در ۱۹۰۰ میلادی به چاپ رسیدند و غوغایی را در بین محافظه‌کاران برپا کردند. امین مسایل مربوط به آموزش و پرورش زنان (البته نه در سطحی به پیشرفتگی مردان)، آزادی و تساوی (به استثنای مورد تعدد زوجات)، حق کارکردن زنان برای تضمین آزادی آنان را مطرح کرد. او در کتاب دوم خود به انتقادهایی که به کتاب نخستین وی وارد بود پاسخ گفت. در اولین کتابش «آزادی زنان» استدلال‌هایش را بر مبنای قرآن و اصول دینی قرار داده بود، ولی در دومین کتاب به جای تفسیر لیبرالی از مذهب به عقل و منطق روی آورد.

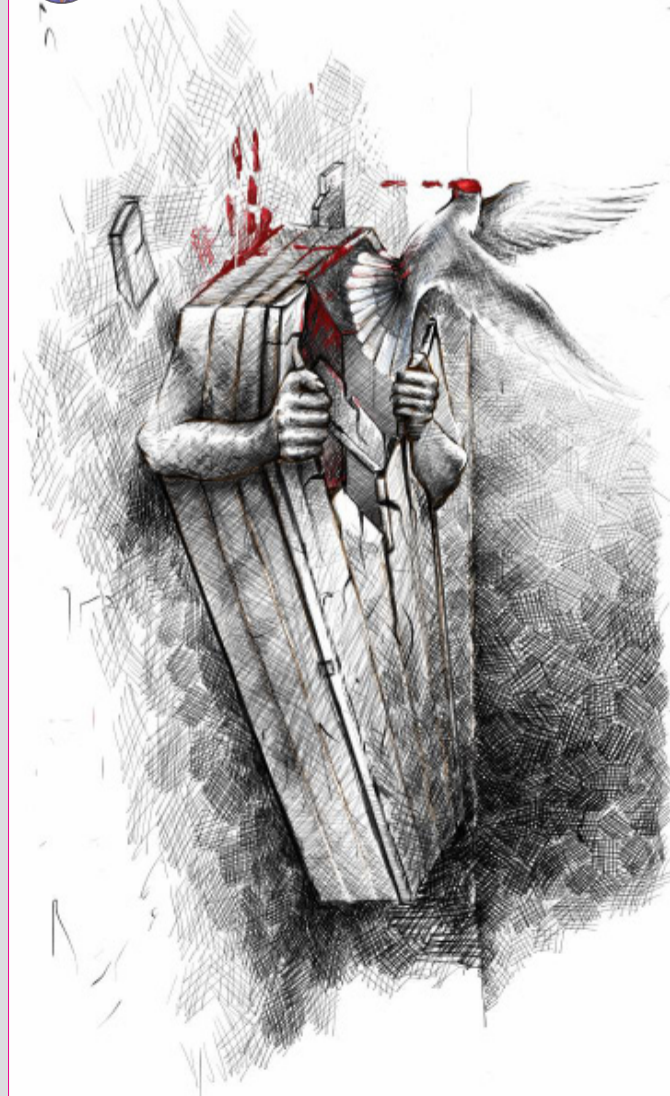
ملی‌گرایان محافظه‌کار معتقد بودند که قدرت‌های اروپایی نقشه کشیده‌اند تا تسلط خود را با براندازی ساختارهای اجتماعی ملل شرقی تقویت کنند. بنابراین با نظری بسیار مشکوکانه به واردات ایدیولوژی غربی می‌نگریستند که احتمال داشت روابط اجتماعی را تغییر دهد یا اعتقادات مذهبی را تضعیف می‌کند. آن‌ها به خصوص نسبت به نهضت طرفداری از آزادی زنان ظنین بودند و آن را حمله‌ی مستقیم به خانواده به عنوان قدرتمندترین واحد اجتماعی می‌دیدند. آن‌ها باور داشتند که به منظور پایان بخشیدن به تسلط و نفوذ خارجی‌ان باید «سنت» مستحکم شود و در برابر هرگونه کوششی برای تحول اجتماعی به خصوص در وضع زنان مقاومت شود.



در مصر باستان همانند سایر تمدن‌ها، حکومت توسط مردان اداره می‌شد. منتها گاهی بنابر شرایط خاص، زنان زمام امور را به دست می‌گرفتند. نمونه‌هایی از حکومت ملکه‌ها در تاریخ مصر وجود دارد. ویل دورانت در این خصوص می‌نویسد: «حتشپسوت، دختر شاه تحوطمس اول در حالی که سی سال از دوران سلطنت پدرش گذشت، به عنوان جانشین در سلطنت پدر بر تخت نشست. او پس از شاه، شوهر و برادر ناتنی‌اش به سلطنت رسید و خود به تنهایی به سلطنت پرداخت. او ثابت کرد جز این که زن است هیچ‌گونه تفاوتی با شاهان ندارد. وی بی‌آنکه به استبداد و خودکامه‌گی توسل جوید امنیت و نظم را در داخل کشور برقرار ساخت و بدون آنکه خسارتی ببیند صلح خارجی را حفظ کرد. بازار تازه‌ای برای تجارت مصر باز کرد و وسایل رفاه و لذایذ تازه‌ای برای ملت خود آماده ساخت. با نصب کردن دو مجسمه‌ی بزرگ باشکوه بر زیبایی کرنگه افزود. در دیرالبحری معبد عظیمی را که پدرش اندیشه‌ی ساختن آن را داشت بنا نهاد و پاره‌ای از معابد قدیمی را که به دست هیکسوس‌ها ویران شده بود آباد کرد. آنگاه در پایان کار برای خود گوری بسیار منقش و مخفی در میان تپه‌های شنی ساحل باختری نیل، در آنجا که بعدن به نام دره‌ی مقابر شاهان (وادی مقار الملوک) نامیده می‌شد، بنا کرد. جانشینان وی در ساختن مقبره‌های خود از او پیروی کردند. دوران کشورداری این ملکه که در صلح و صفا و در کمال حکمت فرمان می‌راند، ۲۲ سال طول کشید. پس از وی تحموطمس سوم جانشین او شد که سراسر سلطنتش به جنگ‌های فراوان گذشت.» در برخی منابع، حتشپسوت، اولین



حسین رضایی



- صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنیان
- سردبیر و ویراستار: مریم شاهی
- گزارشگران: حسین احمدی و لطیفه موسوی
- عکاس: حمیده مهردل
- صفحه‌آرا: اسماعیل لعلی
- توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۲۱۹۵۲
- زیرنظر گروه نویسندگان
- هفته‌نامه‌ی نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.
- مسؤولیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان آن است.



بازتاب تمام رخ زنان

سال چهارم شماره ۱۲۷ شنبه ۱۱ دلو ۱۳۹۹ ۳۰ جنوری ۲۰۲۱

هفته‌نامه نیم‌رخ Nimrokh Weekly
www.nimrokh.af
mail@nimrokh.af
0798898894